

مبانی نظری وحدت امت اسلامی از منظر امیر المومنین علی علیه السلام

محمد رضا بهدار*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۴

چکیده

دربازی است مصلحان و اندیشمندان اسلامی، اتحاد و همبستگی ملل اسلامی را یکی از ضروری ترین نیازهای امت اسلامی می دانند و همواره جهت نائل شدن بدین هدف راهکارهایی را ارائه داده اند. بی تردید شناسایی و تحلیل واقع گرایانه، مولفه‌ها و عوامل وحدت آفرین جامعه مسلمین از نگاه تیزبین امیرالمؤمنین علی علیه السلام، بسیار حائز اهمیت و راه گشا خواهد بود؛ بدین منظور در این نوشتار با بهرمندی از سخنان حکیمانه آن حضرت، به توصیف و تحلیل مبانی نظری و اعتقادی، ایجاد وحدت امت اسلامی، پرداخته شده است. با تأملی در رهنمون‌های امام علی علیه السلام، می توان به این محورهای اساسی و تاثیرگذار اشاره داشت: توحید، اسلام، قرآن، سنت نبوی، امامت و رهبری عادل و بصیر. پس آنگاه که آحاد جامعه در نظام وحدت درآیند و همه در مسلك وحدت به خرامند و به مبانی آن تمسک یابند، جامعه به ساحل مقصود نزدیک و از نزاع و جدال دور می ماند.

واژگان کلیدی

امیر المومنین علی علیه السلام، وحدت، امت اسلامی، توحید، قرآن.

مقدمه

از مهم ترین مسایل جهان اسلام وحدت و اتحاد امت اسلامی است چرا که وحدت، از اصولی است که اساس و ریشه یک نظام را تشکیل می دهد و رمز پیشرفت و ماندگاری آن می باشد، به همین دلیل امروزه مسئله وحدت توجه و اندیشه متفکران و مصلحان جامعه اسلامی را به خود معطوف داشته است. قرآن در

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول (نویسنده مسئول) rbehdar@gmail.com



آیات متعددی مسلمانان را به طور خاص و تمامی انسان‌ها را به صورت عام عضو یک جامعه و امت معرفی می‌کند و آنها را به وحدت و یکپارچگی فرا می‌خواند. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۳)

در روایات متعددی ائمه اطهار علیهم‌السلام و پیشوایان دینی به تأسی از قرآن کریم، مسلمانان را مسئول رفتار خود و شریک در سرنوشت دیگران معرفی کرده برادران مومن را متحد و دوست هم دانسته و از نزاع و مناقشه نهی کرده و اصلاح بین مردم را وظیفه تک تک افراد دانسته است. دوری از اختلاف و پراکندگی نه تنها در سخن بلکه در سیره عملی معصومین علیهم‌السلام هم بسیار مشاهده می‌گردد. بیست و پنج سال سکوت و خانه نشینی علی علیه‌السلام و حتی کمک آن حضرت به خلفا، بر مبنای حفظ وحدت و دوری از تفرقه بوده است.

به هر روی یکی از مهمترین مسائلی که امروزه در رابطه با جوامع دینی ذهن هر انسان مومن و بصیر و درد مندی را به خود مشغول می‌سازد، اختلاف میان جامعه اسلامی است که از یک سو موجب عقب ماندگی کشورهای مسلمان و از سوی دیگر عامل نفوذ و تسلط بیگانگان بر سرنوشت آنان شده است. یکی از شخصیت‌های کامل و فهیم و دلسوزی که بیش از دیگران در تحقق و ایجاد وحدت امت اسلامی گام‌های بلندی برداشته شخص نازنین امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است که خود می‌فرمایند: «بدان در امت اسلام هیچ کس وجود ندارد که به وحدت امت محمد و به انس گرفتن آنان به همدیگر از من دل‌سوزتر باشد» (نامه ۷۸) نیز می‌فرمایند: «همانا شیطان، راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما بیفزاید. از وسوسه شیطان روی گردانید و به نصیحت آن کس که خیرخواه شما است گوش کنید» (خطبه ۱۲۱)

سابقه اهتمام به اصل وحدت بین مسلمین، به آغاز دین اسلام برمی‌گردد که میان صحابه رسول خدا اختلاف و منازعه پیدا می‌شد و قرآن، مسلمانان را از آن منع می‌کرد. «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (آل عمران/ ۱۰۳) نخستین شعار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام ورود به مدینه و پیش از ساختن مسجد و پرداختن به امور عمرانی، در باره اخوت و برادری دینی بود. آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسلمانان را دو به دو در راه خدا برادر یکدیگر کرد: «أخى النبى صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بين أصحابه من المهاجرين والأنصار أخوين أخوين» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸/۳۳۶) و با ایجاد عقد اخوت میان مسلمانان و



بین خود و حضرت امیرالمؤمنین و نیز میان دو قبیله «اوس» و «خزرج»، اتحاد و هماهنگی را تحقق بخشید. پیامبر ﷺ پس از فتح مکه در مسجد الحرام، رسماً دستور دینی صادر کرد و اعلان نمود که مسلمانان برادر همدیگرند و مانند ید واحدند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۲/۶۷) همچنین دستور ویران سازی مسجد ضرار برای حفظ وحدت سیاسی جامعه و جلوگیری از تفرقه و تشتت سیاسی که در پی آن، موجودیت نیروهای نفاق نیز دچار یک بحران اساسی و جدی شد و همچنین ایشان با نفی قوم گرایی و نژادپرستی در جهت برقراری وحدت اسلامی؛ زید بن حارثه را فرمانده سپاه اسلام، بلال حبشی را مؤذن ویژه قرار می دهد و از سلمان فارسی ایرانی تجلیل می کند و به او مقام و منزلت والا می بخشد. امام علی علیه السلام و سایر اهل البیت علیهم السلام نیز در زمینه حفظ وحدت و یکپارچگی امت اسلامی، تلاش و فعالیت علمی و عملی بسیاری نمودند.

شخصیت‌ها و چهره های علمی فرهنگی مسلمانان از دیر باز تا کنون در جهت وحدت و همگرایی مسلمین با اندیشه و تفکر و عمل خود اقدامات زیادی کرده‌اند. در قاهره جمعیتی به نام «جماعة التقريب بين المذاهب الاسلامية» مرکزی را به نام «دارالتقريب بين المذاهب الاسلامية» در سال ۱۳۲۷ هـ ش بنیان گذاشتند و مجله‌ای هم به نام رسالة الاسلام منتشر کردند. مؤسسان آن از شخصیت‌های معروف جهان اسلام، مانند شیوخ و اساتید الازهر شیخ عبدالمجید سلیم، استاد شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد عبده، امام سید عبدالحسین شرف الدین، علامه سید حسین بروجرودی مرجع عالی قدر شیعیان جهان و استاد علامه شیخ محمد تقی قمی، سید جمال الدین اسد آبادی، امام خمینی (ره)، امام موسی صدر و شهید مطهری بودند.

اما در عرصه نوشتاری کتب و مقالات بسیاری چه مستقل و چه در ضمن مباحث دیگر دینی و فرهنگی به رشته تحریر درآمده است. به عنوان نمونه می توان از این کتاب‌ها نام برد: «وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت» نوشته سید محمد باقر حکیم؛ «سیری در نهج البلاغه» از شهید مطهری؛ «وحدت جوامع در نهج البلاغه» برگرفته از سخنان حضرت آیت الله جوادی آملی توسط سعید بند علی؛ «مبانی الگویی وحدت و تفرقه در قرآن کریم» زهره شاکر اردکانی؛ «استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام» از سید احمد موقفی؛ «اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری» نوشته سید حمید جاوید موسوی و «وحدت جهان اسلام چشم انداز آینده» از سید یحیی صفوی؛ و... نام برد. اما در ارتباط با موضوع مورد تحقیق از دیدگاه امیرالمومنین علیه السلام، پژوهش و تحقیق منسجم و یکدست و مستقلی ارائه نشده است گرچه در برخی کتب



و مقالات از آن به صورت پراکنده بحث گردیده است.

بنابراین شناخت و آگاهی داشتن به گفتارهای حکیمانه امیرالمومنین علی علیه السلام در مورد وحدت جامعه برای همگی مسلمین اعم از عوام و فرهیختگان و اندیشمندان بصیر و دلسوز عرصه علوم اجتماعی و فرهنگی و جامعه‌شناسی بهترین و آموزنده‌ترین درس هاست. لذا در این پژوهش می‌خواهیم از منظر امیرالمومنین علی علیه السلام بررسی کنیم که ایشان چه مبانی نظری و اعتقادی را برای وحدت امت اسلامی بیان و مهم دانسته‌اند.

مفهوم‌شناسی وحدت اسلامی

وحدت در لغت به معنای یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۳/۳) اما منظور از وحدت اسلامی یعنی ملت و امت اسلام باید هماهنگ، یک‌نواخت و هم‌صدا باشند. اتحاد میان مسلمانان به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنها است و این به معنی تحفظ بر اصول مشترک و آزاد گذاردن و معذور داشتن هر فرقه در فروع خاصه خود آن است. لذا حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد متفرقات آنها نیست؛ در غیر این صورت معقول و منطقی و مطلوب و عملی نیست بلکه منظور، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان (مطهری، ۱۳۶۸: ۴) پس مقصود از وحدت اسلامی این نیست که مذاهب، در یک مذهب حل شوند. بعضی افراد برای این که اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می‌کنند. نفی مذاهب، مشکلی را حل نمی‌کند؛ اثبات مذاهب، مشکلات را حل می‌کند. همین مذاهبی که هستند، هرکدام در منطقه کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند. (امام خامنه‌ای، ۱/۵۶/۷۶)

امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه، وحدت اسلامی را این‌گونه تعریف می‌کند: «خواستگاران آنان یکی، قلبهای آنان یکسان و دستهای آنان مددکار یکدیگر، شمشیرهای یاری کننده، نگاهها به یک سو دوخته و اراده‌ها واحد و همسو بود» (خطبه ۹۱)

وحدت اسلامی ابعاد مختلف سیاسی، علمی و فرهنگی دارد و مقصود از وحدت اسلامی تمامی این ابعاد است. مقصود از وحدت سیاسی آن است که مسلمانان جهان از هر قوم و نژاد و ملت و مذهبی که باشند، در صفتی واحد در راستای مصالح و منافع عالی‌تری ملت‌ها و کشورهای اسلامی، هماهنگی و

یکپارچگی خود را حفظ کنند. وحدت علمی و فرهنگی همان تقریب بین مذاهب اسلامی است که تحقق این پدیده منوط به اجتماع دانشمندان مذاهب اسلامی و مطرح کردن مسائل نظری و اختلافی برای دستیابی به حقایق و واقعیت های اسلامی در ابعاد علمی، تفسیری، کلامی، فقهی و اصولی و نیز اطلاع از نظر یکدیگر و نشر آن ها ما بین پیروان مذاهب است. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱) لذا در تفکر دینی، هرگز مراد از وحدت کنار نهادن سایر مذاهب نیست. وحدت اسلامی به کارگیری ابزار تحقق امت واحد، به عنوان يك آرمان نهایی، در سطح جوامع و جهان اسلامی خواهد بود: « وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فِیَعْمَ الْمُؤَلَّى وَنَعْمَ النَّصِیْرُ » (حج / ۷۸)

بنابراین، مراد از وحدت اسلامی در این پژوهش بهره گیری از امکانات مشترك همدلی، اتخاذ روش های واحد، همکاری، تعاون انسان ها در چارچوب حکومتی واحد و عادل و بهره گیری از تمام مواهب و منابع مادی و معنوی در یک فضای توحیدی؛ که همان وحدت معقول است.

مبانی نظری وحدت

۱. توحید

حضرت علی علیه السلام در موارد متعددی به اعتقادات واحد، اشاره فرموده و مردم را به ایجاد وحدت در سایه این اعتقادات یکسان و مشترك سفارش کرده است. در خطبه ای پس از ذکر عامل اساسی وحدت مسلمین به صورت استفهام انکاری جهت تاکید بر مساله، وحدانیت خدا را ذکر کرده و می فرماید: « در صورتی که خدا بیشان یکی، پیغمبرشان یکی و کتابشان یکی است، آیا خدای سبحان آنها را به اختلاف، امر فرمود که اطاعت کردند؟! یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا نمودند » (خطبه ۱۸)

در واقع حضرت علی علیه السلام در این سخنان نورانی خود، اعتقاد به خدای واحد و پیامبر واحد و قرآن را عامل وحدت آرا در احکام قطعی اسلام ذکر می فرماید و در صدد تبیین این موضوع است که خدای واحد، طالب و خواستار وحدت است. در قرآن کریم الفت و اتحاد بین مردم، به خدا نسبت داده شده و آمده است: « أَلْفَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیْعًا مَا أَلْفَتْ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَکِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَیْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِیْزٌ حَکِیْمٌ؛ خداوند متعال بین دل های آنان الفت برقرار کرد، اگر تو تمام ذخایر زمین را هزینه می کردی تا نعمت هم آهنگی دل های آنان را فراهم کنی، نمی توانستی. لکن خداوند بین آنان الفت برقرار کرد. تحقیقا



خداوند متعال عزیز و حکیم است.» (انفال / ۶۳) بر این اساس به فرموده آیت الله جوادی آملی: «اتحاد دل‌ها و هم‌آهنگی جان‌ها، در گرو مسائل اقتصادی و دیگر شئون مادی نمی‌باشد. زیرا دل يك امر غیرمادی است و مرهون مادیات نبوده و با ابزار مادی جذب نمی‌شود. از این رهگذر قرآن کریم پیوند و انسجام دل‌ها را در اختیار خداوند دل‌آفرین دانسته و راهی برای انسجام آنها جز از طریق عنایت خداوندی ممکن نمی‌داند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۴۰) بنابراین اعتقاد به خدا دل‌ها را یکی می‌کند و خداوند، دل‌های معتقد و باورمند را به هم پیوند می‌دهد.

اتفاقاً با توجه به روایات شیعه و اهل سنت یکی از مصادیقی که برخی‌ها برای عروة الوثقی که به سبب آن وحدت افراد جامعه حفظ می‌شود را همین توحید دانسته‌اند. سعید بن جبیر، عن ابن عباس فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۳۰ و طبری، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳) همچنین روایت است از امام محمد باقر می‌فرماید: «عروة الله الوثقی التوحید و الصبغة الإسلام» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱ / ۲۶۳) و در روایت دیگر آمده: «فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى قَالَ: هِيَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» (همو، ۲۶۳)

آنگونه که بیان شد اعتقادات مشترک و باورهای دینی، به ویژه در زمینه‌ی اصول دین، مهم‌ترین عامل اتحاد است. توحید و اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال جامع دین باوران است و تمامی ادیان توحیدی از این نعمت بهره‌ی کافی می‌برند.

پس ایمان به خدای یگانه و غیب و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران و روز واپسین، مهم‌ترین پایگاهی است که وحدت و همبستگی جوامع مسلمان باید بر آن استوار گردد. اصولاً نظریه «توحید» دیدگاهی وحدت‌گراست و به مثابه مرکزیت نظام تکوین و تشریح امت واحده اسلامی به شمار می‌رود. همچنین قرآن کریم یکی از راه‌های همبستگی را پیروی از راه توحید دانسته و به آن سفارش فرموده است: «أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ؛ این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید، و از راه‌های پراکنده (انحرافی) پیروی نکنید. که شما را از طریق حق، دور می‌سازد.» (انعام / ۱۵۳)

در این آیه خداوند دستور به پیروی از صراط مستقیم را داده که همان راه توحید، راه حق، عدالت، پاکی و تقواست و پیروی از غیر آن راه را باعث پراکندگی و اختلاف و نفاق می‌داند. و بر همین اساس، قرآن از اهل کتاب می‌طلبد که به کلمه توحید که وجه جامع و مشترک میان آنان و مسلمانان می‌تواند باشد باز

گردند و می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا؛ بگو: ای اهل کتاب بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم.» (آل عمران / ۶۴)

در این دو آیه، قرآن کریم مفهوم وحدت و همبستگی مسلمانان و حتی مسلمانان با سایر ادیان الهی را تنها در این چارچوب و با این تفسیر و تبیین پذیرفته است، چرا که از نظر اسلام صرفاً به اجتماع مسلمانان و اتفاق آنان بر هر مسأله ای نباید دل خوش بود بلکه آنچه در این عرصه اهمیت فراوان دارد اتحاد و اتفاق آنان، «در خدا» و «برای خدا» و «در راه خدا» است. (ابن هشام، ۱۳۶۱: ۵۰۱)

پس علاج دردهای کهنه دنیا و زخم های بشریت و دنیای اسلام را باید در بازگشت به خدا جست و جو کرد، بشریت باید با خدا و ایمان و معنویت آشتی کند.

۲. اسلام

بی تردید دین الهی اسلام، محور وحدت مسلمانان جهان است؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: «أَمَّا مَا دِينُ يَجْمَعُكُمْ» (خطبه ۱۷۹) و نیز: «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ» (خطبه ۱۱۲) امام علیه السلام دین را مایه ی اجتماع مسلمانان و وسیله ی مؤاخات آنان می داند که اشاره به آیه مبارک قرآن دارد که می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات / ۱۰) یعنی دین اسلام، آنقدر مؤمنان را به یکدیگر نزدیک می کند که آنان را در زمره برادران همدیگر قرار می دهد.

امام علی علیه السلام هنگام نکوهش کوفیان — که در برابر عامل معاویه یعنی نعمان بن بشیر بی تفاوت بودند — فرمود: ای بی اصل ها! در یاری پروردگارتان منتظر چه چیزی هستید؟ آیا دینی ندارید که شما را گرد آورد؟ یا غیرتی که شما را به خشم آورد؟» (خطبه ۳۹) امیرالمومنین در این خطبه به صراحت به عامل و نقش مهم وحدت آفرینی دین تصریح می کند.

در فرمایشی دیگر در خطبه قاصعه به آثار و برکات اسلام چنین اشاره می فرماید: «امور اجتماعی آنان در سایه قدرت حکومت اسلام استوار شد، و در پرتو عزتی پایدار آرام گرفتند، و به حکومتی پایدار رسیدند. آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند و سلاطین روی زمین گردیدند و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند.» (خطبه ۹۱)

در جای دیگر آن حضرت، اسلام را مایه وحدت می دانند: «عرب اگرچه امروز اندک، اما با نعمت اسلام



فراوانند و با اتحاد و هماهنگی عزیز و قدرتمندند» (خطبه ۱۴۶). پس نباید فراموش کرد که این اسلام است که همه را با هم مجتمع و پیروز می‌کند و سعادت همه انسان‌ها را تأمین می‌کند. (امام خمینی، بی تا، ۳۳/۸)

بدین روی امام در خطبه ۱۷۶ با تأکید بر حفظ این فصل مشترک می‌فرماید: «از چند دستگی در دین حذر کنید، که همبستگی و وحدت در راه حق، گرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل، گرچه مورد علاقه شما باشد، بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را به تفرقه عطا فرموده است»

در ذیل تفسیر این آیه شریفه: «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان/۲۲) مفسران تسلیم در برابر خداوند را به این معنا دانسته‌اند که انسان با همه وجودش رو به خدا کند و او را پرستش نماید، و از ما سوای او اعراض کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳۰/۱۶) به طوریکه از هرگونه شرک و بت پرستی که می‌تواند حتی بت نفس باشد پرهیز نماید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۲/۸) فخر رازی نیز جمله من یسلم وجهه الی الله را به معنای من یسلم نفسه الی الله دانسته به گونه ای که فقط انسان به یک جهت حرکت کند و به سمت واحد تسلیم شود. (فخر رازی، ۱۳۷۱: ۱۲۵/۲۵) از این رو نفس مفهوم دین اسلام، این معنا را به گروندگان خود منتقل می‌کند که همه انسان‌ها و فعالیت‌هایشان می‌بایست حول محور و مدار خداوند باشد و تنها مطیع محض فرامین او باشند، نه طاغوت‌ها و بت‌های درونی و بیرونی که خود زمینه تفرقه و اختلاف را فراهم می‌آورند.

امام علی علیه السلام درباره دین و اسلام حقیقی می‌فرماید: «الدِّينُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا التَّسْلِيمُ وَ الرِّضَا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۷) دین مانند درختی است که ریشه اش تسلیم در برابر اراده حضرت حق و اطاعت از فرامین وی و خشنودی از دستورات او است. مقررات دین اسلام مانند نماز، روزه، حج حتی زکات و دیگر مقررات مالی در اسلام در تحلیل به معنای همان سر تسلیم فرود آوردن در برابر اراده حضرت حق و خشنودی به چیزهایی است که موجب رضای خدای عالم است. همچنین آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «اول الدین التسلیم و آخره الاخلاص» (تمیمی، ۱۴۱۰: ۱۳۶) اول دین تسلیم شدن در برابر حضرت حق است و آخر آن اخلاص برای حق و نیز می‌فرماید: «ان افضل الدین الحب فی الله و البغض فی الله و الاخذ فی الله و العطاء فی الله سبحانه» (تمیمی، ۱۴۱۰: ۲۳۱) بالاترین و افضل دینها عبارت است از اینکه انسان تمام گرایش‌هایش برای خدا و تنفر و انزجارش برای خدا و دریافت و پرداخت و

داد و ستدهایش هم برای خدا باشد و کوچکترین توقع و انتظاری از غیر او نداشته باشد. طبق این بیان از بین همه قرائت‌هایی که از اسلام عرضه شده، آن اسلامی واقعی است و ما را به سعادت و وحدت رهنمون می‌سازد که اسلام خالص نه التقاطی باشد؛ یعنی تسلیم محض خدا و پیروی کامل و جامع از همه دستوراتش.

امیر المومنین علی علیه السلام در وصف دین اسلام که همان دین واقعی و حقیقی است اینگونه می‌فرماید: «حمد و ستایش مخصوص آن خداوندی است که اسلام را به عنوان شریعت در اختیار بندگان خویش قرار داد ... و برای دلبستگان مایه امنیت و آرامش و برای واردان در حوزه آن سلم و مسالمت و برای گویندگان و سخنوران برهان و دلیل روشن و برای کسانی که با آن مخاصمه می‌نمایند شاهد و گواه و برای آنانی که می‌خواهند از نور و روشنایی آن بهره جویند نور و روشنایی و مایه فهم برای عاقلان و رسیدن به واقع برای کسانی که اهل تدبیر و تفکرند. ... مایه نجات و رهایی برای کسانی که آن را تصدیق نموده و بر آن باور دارند و مایه وثوق و اعتماد و اطمینان برای افرادی که خود را در اختیار آن قرار می‌دهند و با محوریت اسلام حرکت‌ها و اعمالشان را منطبق می‌سازند و مایه صیانت برای اشخاصی که به مشکلات اتباع از فرامین و دستورات اسلام صبر و تحمل می‌نمایند، قرار داده است. (خطبه ۱۰۶)

شایان توجه اینکه علی رغم تاکید و دستور الهی بر مسلمان‌ها و حتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر گزینش و ملتزم بودن به دین حنیف و قییم، «وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَ لَّا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یونس/ ۱۰۵) و (به من دستور داده شده که:) روی خود را به آیینی متوجه ساز که از هر گونه شرک، خالی است و از مشرکان مباش. «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِيناً قِيماً مِثْلَ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام/ ۱۶۱) «آری! پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است: دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای! و او از مشرکان نبود». اما از آن زمان تا کنون متأسفانه افرادی بوده‌اند که به سبب جهل و با عناد و اغراض دنیوی و سیاسی، قرائتی مخدوش و ناصحیح از اسلام ارائه دادند و جریان فکری اعتقادی، مخرفی را به راه انداختند و با رویکردی خاص آموزه‌های حقیقی اسلام را تفسیر و تأویل کردند. حال نوع و کیفیت تعامل و ارتباط پیروان این مکاتب و جریان‌های فکری به منظور حفظ وحدت و انسجام بین خود، بستگی به فاصله و نزدیکی و میزان مشترکات و اختلافات عقاید و آموزه‌های دینی آنها دارد. قطعاً اگر در مبانی و اصول مذهب خود مشترکات زیادی دارند و اختلافشان ناچیز است و فقط در جزئیات و فروع مسائل اعتقادی و احکام فقهی اختلاف دارند، زمینه وحدت و فرصت همکاری و برنامه‌های



ایجابی بسیار فراهم است. اما اگر چنان فاصله گرفته‌اند که مشترکات در مبانی و اصول حداقلی است و به کل اسلام را که فصل مشترک ماست، تقلیب کرده‌اند و به برخی ظواهر و ادعاهای بی پایه و غیر عقلی و منطقی بسنده کرده‌اند؛ سخن گفتن از وحدت، دوستی، روابط و همکاری، نابجا و بی ارزش است و بنا به تشخیص عالمان عادل مصلح، می‌بایست در شرایطی مبارزه و رویارویی را در پیش گرفت و در شریطی سکوت، صبر و دامن نزدن به تشدید اختلافات را مد نظر داشت. این نوع نگاه و برخورد را به خوبی می‌توان در سیره و روش اهل بیت علیهم السلام، مشاهده کرد، همچون مبارزه و کوتاه نیامدن امیر المومنین علیه السلام در ابتدای غصب خلافت و سکوت و صبر و خانه نشینی ۲۵ ساله او در زمانی دیگر یا مبارزه ابتدایی امام حسن علیه السلام با اسلام معاویه و صلح ایشان بنابر مصالحی در مقطعی دیگر؛ نیز قیام و درگیری خونین امام حسین علیه السلام با اسلام بنی امیه و بیزیدی که به کل در صدد تحریف گسترده اسلام بود.

امام علی علیه السلام در جایی این موضع گیری را اینگونه تشریح می‌فرماید: «من دست باز کشیدم تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد صلی الله علیه و آله را نابود سازند؛ پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن ببینم، یا شاهد نابودی آن باشم، که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شما است. پس در میان آن آشوب و غوغا بپاخاستم؛ تا آنکه باطل از میان رفت و دین استقرار گرفته، آرام شد». (نامه ۶۲)

به هر روی مجتمع شدن مسلمین جهان بر مشترکات اصول و مبانی و آموزه‌های حیات بخش اسلام، حقیقتاً، نوید بخش اقتدار، عظمت و اعتلای جامعه مسلمین خواهد بود و غفلت از این سرمایه بی‌بدیل اسلام، چیزی جز خسارت و شکست را به ارمغان نخواهد آورد. امام خمینی در این رابطه می‌فرماید: «پشت کردن به تعالیم عالیه اسلام و روی آوردن به غرب و شرق، مسلمین را با قریب یک میلیارد جمعیت و مخازن بسیار غنی تحت سیطره اجانب درآورده و شعائر و مخازن آنها را به باد داده است. شما دیدید و ما هم شاهد بودیم که وحدت کلمه يك ملت شجاع ولی ضعیف با اعتماد به اسلام و خدای تعالی موجب غلبه بر غولهای بین‌المللی شد و دست همه استعمارگران را قطع نمود. پس مسلمین باید برای به دست آوردن استقلال و آزادی این کلید پیروزی را به دست آورند و برای وحدت کلمه کوشش کنند». (امام خمینی، بی تا: ۱۷۰/۷)

حاصل آنکه دین اسلامی که در دیدگاه امام علی (ع) می‌تواند وحدت بخش باشد؛ مجموعه‌ای از باورها،

معرفتها، معارف حقه، دستورالعملها و مقررات الهی است که انسان به منظور تامین سعادت و کمال وجودی و به دست آوردن آرامش روحی و روانی و رفع دغدغه های فکری و ایجاد روابط سالم و بی شائبه و شفاف؛ به عمل و رعایت آن نیازمند است.

۳. قرآن کریم

یکی از عوامل وحدت در جوامع دینی، وجود کتاب آسمانی است که با توجه به تحریفات زمینی در کتب آسمانی غیر از قرآن، این مشخصه از دیگر کتاب ها مثل انجیل و تورات برداشته شده است و وحدت بخشی تنها و تنها در سیمای صادق قرآن مشاهده می گردد. قرآن کریم شامل امر و نهی های متعدد و بایدها و نبایدهایی است که ضامن سعادت و سلامت روانی افراد و جامعه خواهد بود و در سایه ی عمل به تعالیم قرآنی می توان جامعه ای فرهیخته، برجسته و سرآمد داشت. (علوی، ۱۳۹۵: ۱۳۵)

آنچه مسلم است اینکه داشتن چارچوب مشترك در قالب عقیده و احساس و عمل که در قرآن کریم به صورت اعتقادات و اخلاق و احکام مطرح شده است، عامل مهمی در پیوند پیروان قرآن است. دستورهای بلند مانند نماز جماعت، نماز جمعه و حج که بازرترین چهره ی وحدت اسلامی در جهان است و موارد گوناگون دیگر، همه و همه تمرینی است برای آموزش درس وحدت که آموزه ای بس قیمتی است. حضرت امیر علیه السلام از قرآن با تعبیری چون الحبل المتین و النور المبین یاد می کند و می فرماید: «و علیکم بکتاب الله، فانه الحبل المتین، و النور المبین، والشفاء النافع...؛ بر شما باد عمل کردن به قرآن که ریسمان محکم الهی و نور آشکار و درمانی سودمند است و...» (خطبه ۱۵۶)

البته این صفت جامع در چندین خطبه و سخن از امام علیه السلام آمده است و اهمیت قرآن به عنوان عامل ایجادکننده وحدت، در این توصیف به زیباترین شکل بیان شده است. ریسمان محکم، پیونددهنده ی دانه ها و مرواریدهای پراکنده است. اگر دُر گرانبهایی در گوشه ای از ساحل باشد ناپدید شدن و نابود شدن آن احتمال زیادی دارد، ولی اگر به دست گوهرشناسی افتاده و در رشته ای و ریسمانی محکم جای گیرد به یقین، هم در نظر مردم می آید و هم قیمتی افزون می یابد. انسانهای پاك، وارسته و مخلص نیز اگر با عنایت ویژه ی ولایت گرد هم جمع و در رشته ای محکم، متفق شوند می توانند احیاگر ارزش ها باشند. (علوی، ۱۳۹۵: ۱۳۶)

امام خمینی (ره) با اشاره به همین نکته ی اساسی در وصیت نامه ی سیاسی - الهی خود می نویسد: «ما



مفتخریم و ملت عزیز سرتا پا متعهد به اسلام و قرآن، مفتخر است که پیرو مذهبی است که می خواهد حقایق قرآنی را که سرا سر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می زند از مقبره ها و گورستان ها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه ی نجات دهنده ی بشر از جمیع قیودی که برپای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می کشاند نجات دهد.» (امام خمینی، ۱۳۶۰: ۲۱/۳۹۶) بنابراین عمل به قرآن و شناخت مفاهیم بلند آن، وحدت گستر خواهد بود و دلها را به یکدیگر و سپس افراد جامعه را با هم پیوند خواهد داد.

یکی از مهمترین مباحث مورد تاکید رسول خدا ﷺ که در زمره ی وصایای ارزشمند آن بزرگ مرد است، شناخت قرآن و عترت و تاسی و تمسک به آن دو است. به طوری که در قرآن کریم نیز به آن اشاره گردیده و از قول پیامبر ﷺ اجر و مزد تمامی زحمات و تلاش ایشان، دوستی و مودت عترت بیان شده است «لا یستلونک اجر الا الموده فی القربی» (شوری / ۲۳)

با مراجعه به کتب فریقین، به وضوح در می یابیم که رسول خدا ﷺ تمامی مسلمانان را بعد از قرآن کریم به عترت ارجاع می دهد و بهترین عامل وحدت را تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ معرفی می نماید. کلامی که در منابع حدیثی شیعه و سنی بطور متواتر و با اسناد صحیح نقل شده است. «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يُفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَىٰ الْحَوْضِ فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/۱۰۰) در بعضی از منابع عبارت زیر در ذیل حدیث آمده است: «بر آنان پیشی نگیرید و از آنان عقب نمانید و در مقام آموزش به آنان نباشید که آنان از همه شما داناتر هستند.» (بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۸۲) بنابراین پیامبر ﷺ با دعوت همه مسلمانان به پیروی از آن دو گوهر گرانبها و پیروی از اوامر و نواهی قرآن که تفسیر و توضیح آن را می توان در میان اهل بیت رسول خدا ﷺ مشاهده نمود، دروازه های افتراق و جدایی را بسته نگاه داشته است.

حضرت امیر المومنین ﷺ در زمان انعقاد صلح نامه میان قبیله های «ربیع و یمن» توجه دو گروه را به همین مبنا معطوف ساخته و فرموده اند: این پیمان نامه ای است که مردم یمن و ربیع آن را پذیرفته اند؛ چه آنان که در شهر حضور دارند و چه آنها که در بیابان زندگی می کنند. آنها پیرو قرآن اند و به کتاب خدا دعوت می کنند و به انجام دستورهای آن فرمان می دهند و هر کس که آنها را به کتاب خدا بخواند، پاسخ می دهند؛ نه به جای آن مزد می خواهند و نه عوض آن چیز دیگری را می پذیرند. آنان در برابر کسی که

خلاف این پیمان رفتار کرده و یا آن را ترك نماید، ایستادگی خواهند کرد. (نامه ۷۴)

با درنگ در این عبارات نورانی، روشن می‌شود که همه مسلمانان عالم - هر مذهب و گرایشی که داشته و به هر فرقه و شاخه‌ای که منتسب باشند - مبانی واحد و وجوه مشترکی همچون کتاب خدا دارند که در سایه آن و با تمسک به آن می‌توانند به یکپارچگی و انسجام برسند و در بین پیروان سایر ادیان، زبازند باشند.

امام علی علیه السلام نیز در خصوص محوریت قرآن در اتحاد بین مسلمین می‌فرماید: «... و احیاء الاجتماع علیه و اماتته الافتراق عنه» (خطبه ۱۲۷) احیای قرآن را جز در اتحاد بر محور آن مفهومی دیگر نیست آگاه باشید کسی که به این شعار (تفرقه) دعوت کند او را بکشید گر چه زیر عمامه من باشد. به آن دو نفر حکمیت داده شد که آنچه را قرآن زنده کرده زنده کنند، و آنچه را قرآن میرانده بمیرانند. احیاء قرآن در یکدلی همگان در عمل به آن است، چنانکه معنای میراندن قرآن، چیزی جز جدایی از آن نیست.

برخی مفسرین با توجه به روایات (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۷۷/۱ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۳۶۶/۱) «حبل الله» را در این آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) به قرآن و اهل بیت تفسیر کرده و آنها را محور همبستگی قرار داده‌اند؛ لذا خدا به مسلمانان دستور می‌دهد که با تمسک به این دو به وحدت امت اسلامی تحقق ببخشند و از اختلاف و تفرقه بپرهیزند.

خداوند نحوه تمسک و چنگ زدن به این ریسمان محکم را با واژه «اعتصام» که از ریشه «عصمت» است بیان کرده. چنین تعبیر لطیف و زیبایی به ما می‌فهماند که اگر مسلمانان با وحدت و همدلی تمام و عاری از هرگونه اختلاف و غرض‌های سوء، به حبل الله چنگ بزنند، قطعاً از آفتها و لغزش‌ها در امان مانده و بیمه می‌شوند. اینکه خدای تعالی امر می‌کند به یادآوری این نعمت «واذکروا نعمت الله علیکم...» بر اساس رسم و عادت است که قرآن کریم دارد و آن این است که تعلیمات خود را با ذکر علل و اسباب بیان نموده و از این راه، خلق را به سوی خیر و هدایت دعوت می‌کند، بدون اینکه مردم را وادار به تقلید کورکورانه بسازد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۳۶۹) پس طبق این آیه خداوند می‌خواهد بفرماید: اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می‌خوانیم بی دلیل نیست. دلیل اینکه شما را بدان دعوت کرده ایم همین است که خود به چشم خویش ثمرات اتحاد و اجتماع و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید (داستان اوس و خزرج) و از آن سو در اثر تفرقه تلخی و سختی لبه پرتگاه آتش را درک کرده‌اید اما در اثر اتحاد و الفتی که در پرتو نعمت وحی و قرآن نصیبتان شد از آتش نجات یافتید. پس بدانید که



این تمسک به حبل الله و اتحاد شما نعمتی از ناحیه ما ست و متوجه شوید که تمامی دستورهایی که به شما می‌دهیم، به نفع شماست و سعادت و رستگاری شما را تأمین می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۳۷۰)

امام علی علیه السلام خود حبل الله را همان قرآن معرفی کرده و می‌فرماید: «خداوند احدی را به مانند این قرآن پند نداده، که قرآن رشته متین خدا و وسیله امین اوست، در آن بهار دل و چشمه‌های دانش است، دل را به غیر آن مایه جلا نیست.» (خطبه ۱۷۶ و مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۱۲/۲)

این ویژگی وحدت‌آفرینی قرآن بدین جهت است که قرآن قانونی است که در آن اختلافی نمی‌باشد و خود بیان‌کننده و روشن‌کننده اختلاف‌ها می‌باشد «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند برای آنها روشن کنی» (نحل / ۶۴)

امام خمینی پیام آور مکتب قرآن در این عصر نیز فرموده‌اند: «ملت‌ها و دولت‌ها اگر بخواهند به پیروزی و هدف‌های اسلامی به تمام ابعادش که سعادت بشر است برسند، باید اعتصام به حبل الله کنند، از اختلافات و تفرقه‌پرهیزند و فرمان حق تعالی را اطاعت نمایند» (امام خمینی، بی تا: ۱۷۰/۷)

رهبر معظم انقلاب نیز فاصله گرفتن از قرآن را باعث مواجه شدن با مشکلات متعددی دانسته و می‌فرماید: «امت اسلامی زمانی به برکت عمل به قرآن، سرآمد علم، عزت، اخلاق، معنویت بود، اما امروز به دلیل فاصله گرفتن از قرآن با مشکلات متعددی از جمله نداشتن وحدت کلمه و استقلال، پیشرو نبودن در عرصه‌های علمی و مدنی و اعمال سلطه از جانب قدرت‌های زورگو مواجه است» (خامنه‌ای، ۷/۶ / ۱۳۸۲)

پس در نگاه امام علی علیه السلام گوهر گرانقدر قرآن کریم علاوه بر اینکه خود به عنوان کتب آسمانی مورد اتفاق و احترام همه مسلمان‌ها، بهترین فصل مشترک تمامی فرق و مذاهب اسلامی است؛ بیان همه معارف و فرامین بلندش در همه عرصه‌ها و ابعاد به هدف تربیت انسان کامل و هدایت جامعه واحد دینی؛ می‌تواند با فهم درست و عمل به آن مهمترین عامل انسجام و یکپارچگی امت اسلامی محسوب شود؛ چه اینکه قرآن به برادری، صمیمیت و پرهیز از اختلافات تفرقه‌افکن و عوامل دیگر همبستگی تأکید فراوان کرده است؛ لذا با پیروی از نظام قرآنی می‌توان به آسانی به هدف وحدت و همبستگی ملی، جامعه عمل پوشاند.

مسأله اطاعت از پیامبر و پابندی به اوامر و تعالیم و احکام آن حضرت و پیروی از تصمیمات و دستورهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و قضایی حضرت، موضوعی است که در تحقق بخشیدن به وحدت جامعه و همبستگی مسلمانان نقش بسزائی دارد و آثار روحی و معنوی بسیاری بر آن مترتب است چرا که خداوند متعال در مورد پیامبر فرموده است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست» (نجم / ۳ و ۴)

از این رو، اطاعت از او در حکم پیروی از خداوند و ایمان به او و رسالت الهی اش است، «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا؛ کسی که از پیامبر اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و کسی که سر باز زند، تو را نگهبان او نفرستادیم.» (نساء / ۸۰) و در جای دیگر اطاعت از فرمان خداوند و اطاعت از پیامبر را مایه پیروزی و همبستگی دانسته است و می فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّبِعُوا فِتْنَةً لِّئَلَّا تُتَّخَذُوا رِجْزًا لِّمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (انفال / ۴۶)

جنگها و کشمکشهای یکصد و چهل ساله میان دو قبیله «اوس» و «خزرج»، که خود شان نزول آیه واعتصموا بحبل الله می باشد نمونه بسیار روشن و آشکاری است که در سایه نعمت الهی رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ، خاموش گردید و کینه ها و عداوتهای این سالهای طولانی جای خود را به برادری و صمیمیت بخشید؛ به گونه ای که قرآن کریم این صمیمیت و برادری و حلاوت میان آن دو قبیله را به عنوان «نعمت» بزرگ به رخ مسلمانان می کشد و هشدار می دهد که این نعمت را از یاد نبردند و مدیون آن باشند. بنابراین، در سایه تعالیم و رهنمودهای مهربانانه پیامبر گرانقدر اسلام، میان طوایف و قبایلی که رو به دین می آوردند و خود را مطیع فرمان خدا و رسولش قرار می دادند، اتحاد و همبستگی عمیق ایجاد شد. تا زمانی که رسول الله ﷺ در قید حیات بود و مسلمانان از وجود با برکت او نفع می بردند، اختلافاتی که باعث نگرانی و هراس می گردید، در میان مسلمانان وجود نداشت؛ زیرا آنان در هر موردی که دچار اختلاف می گشتند، به رسول خدا ﷺ مراجعه می کردند و حضرت اختلافات را طیبانه برطرف می کردند. چرا که قرآن کریم به صراحت از پیامبر ﷺ به عنوان محور وحدت و رفع اختلاف امت یاد کرده است: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید،





آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.» (نساء/ ۵۹)

یکی از کلید واژه‌ها و مفاهیم بلندی که امیر المومنین بارها هنگام یاد کردن از فواید نعمت بعثت پیامبر ﷺ از آن بهره می‌برد، وحدت و یکپارچگی مردم و زدودن اختلافات و دشمنی‌ها بواسطه برکت وجود نازنین رسول گرامی اسلام ﷺ می‌باشد. بدین روی شریف رضی (ره) در نخستین خطبه اثر گران سنگ نهج البلاغه، به نقل از حضرت امیر ﷺ در باب مهمترین فواید بعثت پیامبر ﷺ می‌فرماید: «قرنها پدید آمد و روزگاران سپری شد؛ پدران رفتند و فرزندان جای آنها را گرفتند، تا اینکه خدای سبحان برای وفای به وعده خود و کامل گردانیدن دوران نبوت، حضرت محمد ﷺ را به پیامبری برگزید... در روزگاری که مردم روی زمین، دارای مذاهب پراکنده، خواسته‌های گوناگون و روشهای متفاوت بودند» (خطبه ۱)

در بخش دیگری امیرالمومنین ﷺ درباره‌ی وجود پیامبر ﷺ می‌فرماید: «به برکت وجودش خداوند کینه‌ها را دفن کرد و آتش دشمنی‌ها را با او خاموش ساخت و به واسطه‌ی وجود او در میان دل‌ها اُلفت افکند» (خطبه ۹۶)

در نگاه امیر المومنین علی ﷺ اعتقاد به نبوت و پیروی او از مبانی اعتقادی است که مایه وحدت و انسجام اجتماعی می‌شود. «حال به نعمتهای بزرگ الهی که به هنگام بعثت پیامبر اسلام بر آنان فروریخت بنگرید که چگونه اطاعت آنان را با دین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را به وحدت رساند.» (خطبه ۹۸ و ۱۹۲) همچنین در باره فواید وجود نورانی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خداوند با مبعوث کردن پیامبر شکاف‌های اجتماعی را به وحدت اصلاح، و فاصله‌ها را به هم پیوند داد و پس از آن که آتش دشمنی‌ها و کینه‌های بر افروخته در دل‌ها راه یافته بود، میان خویشاوندان یگانگی برقرار کرد.» (خطبه ۲۳۱)

انسان سالک إلى الله، همواره نیازمند اُسوه و الگوست تا عقاید و اخلاق و رفتار خود را بر عقیده و خلق و کردار او منطبق کند و چون رسول اکرم ﷺ از لحاظ علمی و عملی سرآمد همه راهیان به سوی حق است، اُسوه همگان قرار می‌گیرد و قلمرو اُسوه بودن او همسان منطقه رسالت او، جهانی خواهد بود. خدای سبحان حضرت رسول ﷺ را ابتدا به آداب خاص متأدب ساخت، سپس او را اُسوه دیگران قرار داد «وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم/ ۴)» و تمام جوامع بشری را به اقتدای به وحی امر کرد. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/ ۲۱) همه اوامر علمی و عملی آن حضرت خواه در معراج و خواه در غیر معراج و خواه به صورت وحی قرآنی و خواه به صورت الهام و حدیث قدسی، به عنوان تعلیم کتاب و

حکمت و تأدیب به آداب الاهی است. همه رهنمودهای آن حضرت، براساس مصالح و حکمت‌های الاهی است که ضامن کمال همه انسان‌ها در همه ابعاد و جهات علمی و عملی خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۴)

حضرت امیر علیه السلام به التفات داشتن همه مسلمین به این نکته کلیدی و حساس که در بینش‌ها و گرایشات و عمل کردها میزان و معیار حق، گفتار و سنت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است و می‌بایست همواره از محوریت قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله در همه امور غفلت نکرد، لذا می‌فرماید: « مَنْ تَقَدَّمَ مَرْقَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مُجِئٌ وَ مَنْ لَزِمَهَا لَجِئٌ؛ هر کسی از آن پیشی گیرد، از دین خارج شود و آن کسی که از آن عقب بماند، هلاک گردد و هرکس از آن جدا نشود، به او رسد» (خطبه ۱۰۰ و مجلسی، ۱۴۰۴: ۵/۱۹۲)

مقام معظم رهبری: «پیروی از حرکت پیامبر خاتم یعنی بیگانه دانستن دین و سیاست و تشکیل حکومت اسلامی برای برقراری عدالت و تزکیه و تعلیم، علاج همه دردها و رنجهای امروز جهان اسلام است.» (خامنه‌ای، ۸۵/۵/۳۱)

۵. امامت امام معصوم

بعد از زندگی پر برکت رسول رحمت صلی الله علیه و آله که همواره مایه ی اتحاد و وحدت بین مسلمین می باشد، وجود سراسر نعمت علی علیه السلام بعنوان رهبر و امام جامعه بعد از نبی صلی الله علیه و آله دستمایه ی اتحاد بوده و هم اکنون نیز شیعیان آن حضرت، با چرخش حول آن امام همام، به این اتحاد رنگ دیگری می دهند. در تشبیه و کلامی زیبا از آن حضرت که ابعاد شخصیتی آن بزرگوار را روشن و هویدا می سازد به این اصل مهم اشاره دارد. امام علیه السلام در توصیف خود بعنوان رهبر جامعه می فرماید: « واقعیت جز این نیست که من قطب آسیابم. چرخهای کشور باید بر محورم همواره بچرخد و من در جای خویش ثابت بمانم. اگر لحظه ای من جایگاهم را رها کنم، مدارش سرگردان می شود و سنگ زیرین آن به لرزش می گراید.» (خطبه ۱۱۹)

امام علی علیه السلام خود را میله و سطر آسیابی می داند که سنگ آسیاب به دور آن باید بچرخد و اگر در جامعه هم قرار باشد محور اجتماعی، وجود داشته باشد، آن محوریت از آن علی علیه السلام بعنوان امام و مقتدای مسلمانان است. این عبارت را نیز در کلام نورانی حضرت امیر شاهد هستیم: « أَنْ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلٌّ



الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى؛ او می‌داند که جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند» (خطبه ۳) بنابراین اگر قرار است که حکومتی بر مبنای اسلام ناب برقرار شود، حتماً باید رهبری آگاه و فرزانه داشته باشد که چون میله‌ی وسط آسیاب، نقش بسیار مهم و محوری در اجتماع جامعه داشته باشد.

با تمسک به برخی روایات، برخی از مفسرین حبل‌الله را در آیه شریفه وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا (آل‌عمر/۱۰۳) را به امیر المومنین علی علیه السلام و معصومین تفسیر کرده‌اند. از جمله در روایتی از امام رضا علیه السلام که ایشان از پدراناش تا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند داریم: «من أحب ان یرکب سفینة النجاة ویستمسک بالعروة الوثقی ویعتصم بحبل الله المتین فلیوال علیا بعدی، ویعاد عدوه و لیأتم بالأئمة الهداة من ولده». (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۵۸/۲). ابان بن تغلب از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند: «وَلَا یَئُودُ عَلِیَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَ الْحَبْلِ الَّذِی قَالَ اللَّهُ [تَعَالَى] فِيهِ [وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا] فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ تَرَكَهُ خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ» (کوفی، ۱۴۱۰: ۹۱)

همچنین مصداق عروة الوثقی در دو آیه شریفه «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا» (بقره/۲۵۶) و آیه «وَمَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» (لقمان/۲۲) به ولایت امیر المومنین علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام تفسیر کرده‌اند. (حسکانی، ۱۳۸۰: ۲۱۶). بحرانی، ۱۳۷۴: ۳۷۹/۴-۳۸۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَتَمَسَّكَ بِحَبْلِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۷۶/۳)

بنابر این شکی نیست امیر المومنین علی علیه السلام و خاندان مطهرش در کنار و همراه قرآن، تنها ریسمان متین و محکم الهی هستند که همگی می‌بایست به ایشان متمسک شوند و در تمامی امور از او مدد بگیرند تا هدایت و نجات آنها را تا روز قیامت فراهم سازند؛ چرا که اینها خود راه‌یافته هستند و همه چیزیشان در مسیر حق و رضای پروردگار است.

نیز یکی از مصداق تمسک به اوحی الیک را در آیه «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (زخرف/۴۳) پذیرش ولایت امیر المومنین علیه السلام دانسته‌اند. (قمی، ۱۳۶۳: ۱۶۶/۲) پس تمسک به ولایت آن حضرت و فرزنداناش و حرکت در این مسیر نورانی حق، می‌تواند همه افراد را با داشتن همه سلايق، به صراط مستقیم رهنمون سازد. پس اعتصام به دودمان طاها همانند تمسک به قرآن و خلاصه اعتصام به فیض ویژه الهی، مایه نجات از لغزش‌های سیاسی-اجتماعی و مانند آن

خواهد بود. از کلام نورانی امیر مومنان علی علیه السلام بر میآید که گرایش به طاغوتیان و آمیختگی با حاکمان جور و آویختگی به قدرت کاذب جابران، سقوط در وادی هلاکت است و اعتصام به عصمت پروردگار، مایه رهایی از آن خواهد بود: **وَ إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُؤَلَّوْكَ وَ الدُّنْيَا إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ** (خطبه ۲۱۰)؛ چنان که غالب مردم در معرض لغزش و سقوط اخلاقی و اجتماعی اند، مگر آنان که از صیانت الهی برخوردار شوند که چنین بهره برداری در گروه اعتصام به اسره یاسین است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۲۱/۷)

شایان توجه اینکه علاوه بر تاثیرگذاری نفس وجود با برکت امام علی علیه السلام و پذیرش امامت و رهبری ایشان بر ایجاد وحدت بین مسلمین، رفتار و سخنان گوهر بار و حکیمانه ایشان در همه ابعاد اعتقادی، اخلاقی و سیاسی بالخاص در خصوص بازشناسایی اسباب و موانع وحدت و برحذر داشتن مردم از عوامل تفرقه و اختلاف، در خور اهمیت است. این شخصیت بی نظیر جهان اسلام، با برشمردن عوامل سیاسی و اخلاقی تفرقه به پدیده های شومی همچون: فقدان عدالت اجتماعی، (خطبه ۲۱۶) عدم اطاعت از رهبری (خطبه ۲۵)، کینه و نفاق، (نامه ۲۷) فتنه، (خطبه ۹۳)، جهل و عدم شناخت درست از دین (خطبه ۱)، شیطان (خطبه ۱۰)، بخل و حسد (خطبه ۱۹۲) و ... اشاره داشته اند.

پس در بینش الهی امام علی علیه السلام، حکومت اسلامی، نقش مؤثری در ایجاد وحدت و یکپارچگی امت دارد؛ زیرا امتی که با داشتن هدف الهی، در مسیر تکامل گام برمی دارد، به ناچار باید به رهبری تمسک جوید که تبلوری از آرمان الهی و مورد قبول و پذیرش و مقتدا و دلیل تحرک و پویایی باشد.

۶. رهبری الهی بصیر

نقش بسیار حیاتی رهبری بصیر و عادل که بر اساس **يك انتصاب الهی** و عنایت ویژه ی معصوم، به رهبری جامعه دینی برگزیده شده است؛ در ایجاد وحدت امت اسلامی، غیر قابل انکار است. حضرت امیر علیه السلام نقش به سزای رهبر را در جامعه چنین تبیین می کند: «در میان حقوق الهی، بزرگترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خداوند سبحان بر هر دو گروه لازم شمرد و آن را عامل پایداری، پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی شود جز آن که زمامداران اصلاح کردند و زمامداران اصلاح نمی شوند جز با درستکاری رعیت و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازند، حق در آن جامعه عزت یابد و راههای دین، پدیدار و نشانه های عدالت برقرار و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله پایدار گردد. و اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمامدار



بر رعیت ستم کند وحدت کلمه از بین می رود، نشانه های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می گردد.» (خطبه ۷ و ۲۱۶)

در این سخنان آسمانی، حضرت امیر علیه السلام ادای حقوق متقابل از سوی رهبر و مردم را عامل مهمی برای ایجاد وحدت کلمه می داند و انسانها را از مزایای ادای حقوق و مضرات و پایمال کردن حقوق رهبر و مردم آگاه می کند. پایداری پیوند امت و رهبر و عزت دین، در سایه ی ادای این حقوق خواهد بود. پیروزی و عزت و اقتدار مسلمین در طول تاریخ، آنگاه باقی ماند که اطاعت از رهبری، سرلوحه ی برنامه های ملت و امت اسلامی قرار گیرد.

گفتنی است که هر رهبری، با هر خصلت، مورد نظر حضرت علی نیست. در نامه ای به مالک اشتر (نامه ۴۶) حضرت علی علیه السلام یکی از ویژگی های بارز رهبر عادل و الهی را دوری از دنیا زدگی ذکر کرده است. آن حضرت در جایی نیز به خصلت رهبران ناشایسته پرداخته و می فرماید: «مردم! از پست ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آنها دوستدار ستایش اند و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار است.» (خطبه ۲۱۶)

حضرت امیر علیه السلام در مورد نقش رهبری چنانکه پیش از این اشاره شد (خطبه ۱۱۹) در جامعه سخنی بسیار گرانقدر است آنجا که خود را به محور سنگ آسیاب تشبیه کرده است. اگرچه در این سخن آسمانی، حضرت علی علیه السلام از خود سخن می گوید ولی در مقام بیان شخصیت حقوقی خویشتن یعنی مقام امامت و رهبری الهی است نه بیانگر شخصیت حقیقی خود. از این رو همه ی ائمه علیهم السلام قطب و محور آسیاب هستند و هستی و آفرینش بر مدار آنها می چرخد و دلها را به يك سو و يك عقیده و پیمان متحد می کند. آن حضرت، در مورد نقش وحدت آفرینی امام زمان (عج) می فرماید: «بدانید آن کس از ما که فتنه های آینده را در یابد، با چراغی روشننگر در آن گام می نهد و بر همان سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام رفتار می کند تا گره ها را بگشاید، بردگان و ملت های اسیر را آزاد سازد، جمعیت های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را جمع آوری می کند» (خطبه ۲ و ۱۵۰)

بنابراین امام زمان (عج) جمعیت های حق جو اما پراکنده را گرد خود جمع و بین آنها پیوند اخوت ایجاد می کند و از آنان ید واحده می سازد و به یقین چنین کاری در زمان غیبت کبری، با دستان مهر و عاطفه ولی فقیه صورت خواهد گرفت که مورد عنایت خاصه حضرت ولی عصر (عج) است.

بی شک اکنون در زمان غیبت حضرت حجه (عج) و محرومیت جامعه از حکومت ظاهری حضرت،

وجود نایبان عام و به ویژه ولی فقیه که نایب بر حق حضرت ولی عصر (عج) است و ولایت انتصابی بر اساس دو شاخصه مهم فقاہت و عدالت دارد، ریسمان محکمی برای پیوند مسلمانان خواهد بود. به هر روی زمانی که امور سیاسی و حاکمیت بر مردم گریزناپذیر باشد، عقلا و شرعا لازم است که رهبری امت به عهده ولی فقیه باشد. «وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها إلی رواة حدیثنا فإنهم حجتی علیکم و أنا حجة الله»؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۰/۲۷). این امر در میان مسلمانان کاملاً ضرورت دارد زیرا اگر چنین رهبری وحدت بخش وجود نداشت تفرقه و تشتت در میان امت پدید می آید و موجبات پیروزی دشمن را بر امت فراهم می سازد. اینکه ما در عصر حاضر متأسفانه شاهد این وضعیت نابسامان و آسیب‌های مهلک بر پیکره جهان اسلام هستیم به جهت بحران رهبریت الهی و فقدان حاکم عادل، بصیر و شجاع در اکثر ممالک اسلامی است. به همین منظور برخی از علماء دغدغه مند از سالیان دور تا کنون یکی از راهکارهای آرمانی را، ایجاد حکومت واحد اسلامی دانسته اند و در تلاش بوده اند این آرزو را تحقق بخشند. (احمد امین، بی تا: ۸۴)

بنابراین به عنوان حقیقتی غیرقابل انکار، یکی از مهمترین اسباب وحدت امت اسلامی و حافظ پیروزی مسلمین در رویارویی با دشمن، برخورداری از حاکمیت و رهبری الهی است. انسجام و هماهنگی جامعه به صورت «امام» و «امت» متبلور می شود، چون اگر مقصدی نباشد یا راهی برای نیل به آن مقصود نباشد، هرگز انسجام تحقق نمی پذیرد و مقصد بدون راه یا راه بی هدف، عامل هماهنگی و اتحاد جامعه نیست، زیرا زمینه تحرك در آن وجود ندارد. بنابراین، گذشته از اینکه وجود مقصد ضروری است، تحقق راه نیز لازم است تا بتوان با پیمودن آن به مقصد رسید. «امام» یعنی بزرگراهی که با رهنمودهای او، هم راه روشن و هم مقصد آشکار می گردد و پیروی از راهنماییهای وی، گذشته از اینکه در پیمودن راه نقش بنیادین دارد، در نیل به مقصد نیز سهم بسزایی خواهد داشت و پیامدهای انحراف از خط سیاسی او، گمراهی و ناکامی و به هدف نرسیدن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۴۰)



نتیجه و جمع بندی

شهید شیرین وحدت از جام وصال توحید تراوش می‌کند و انتشار آن، جوامع و ملل را به سعادت و شیرین‌کامی می‌رساند. وحدت، مایه بقای جامعه و رسیدن به آرمان‌های ملی و برداشتن موانع پیشرفت است. از این‌رو، برای ایجاد و حفظ آن باید تلاش فراوان کرد. برخورداری هر جامعه‌ای از مؤلفه‌های نظری و اعتقادی چون بینش توحیدی، وحدت نبی، وحدت کتاب؛ وحدت دین و شرع و وحدت ولایت، امامت و رهبری امت؛ همگی در کنار هم، به شرط بهره برداری صحیح از این سرمایه‌های غنی، می‌تواند نوید بخش امت واحده اسلامی و تشکیل جامعه‌ای یکپارچه و به‌دور از اختلافات جدی باشد. برای همین منظور می‌بایست برای تقویت و بکارگیری مناسب از این محورهای اساسی هم‌عالمان و فریختگان دلسوز جامعه اسلامی هم‌عموم مردم هر کدام به‌سهم خود زمینه‌ها، برنامه‌ها و اقدامات جامع مشترکی را داشته باشند. از جمله: داشتن هدف مشترك، ارائه اصول و مبانی مشترك، راهنمایی خط مشی مشترك، تعلیم فروع جزئی زیر پوشش خط مشی کلی، برخورداری از رهبری حکیم و آگاه و پیروی از راهنمای واحد و رهبر مشترك.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه (صبحی صالح)، شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، قم، هجرت.
ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸، عیون اخبار الرضا ج ۲، نشر جهان، تهران.
ابن هشام، عبدالملک، ۱۳۶۱، سیره ابن هشام (سیره رسول الله)، تهران، خوارزمی.
ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام ج ۳، قم، ناشر علامه.

احمد امین، بی تا، زعماء الاصلاح فی عصر الحدیث، بیروت، دارالکتب العربی.
بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ۱۳۸۲، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال - الإمام علی بن أبی طالب علیهما السلام، قم، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴، قم، مؤسسه بعثه.
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب الإسلامی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، ادب فنای مقربان ج ۷، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، بنیان مرصوص «امام خمینی در بیان و بنان»، محقق محمد امین شاهجویی، قم، مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، وحدت جوامع در نهج البلاغه، محقق سعید بند علی، قم، مرکز نشر اسراء

حسکانی، عبیدالله بن احمد، ۱۳۸۰، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق احمد روحانی، قم، دارالهدی.

حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه ج ۲۷، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

خمینی، سید روح الله، (بی تا)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴، الدر المنثور ج ۱، بیروت، دارالفکر.

صفوی، سید یحیی، ۱۳۸۷، وحدت جهان اسلام چشم انداز آینده، تهران، شکیب.
طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن ج ۳ و ج ۱۹، قم، دفتر



انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۲، جامع البیان فی تفسیر القرآن ج ۳، بیروت، دار المعرفه.
 طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ج ۸، تهران، ناصر خسرو.
 طریحی، فخر الدین محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین ج ۳، تهران، مرتضوی.
 عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵، تفسیر نور الثقلین ج ۱، قم، انتشارات اسماعیلیان.

فخر رازی، محمدبن عمر، ۱۳۷۱، تفسیر کبیرمفاتیح الغیب ج ۲۵، انتشارات اساطیر.
 فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵، تفسیر الصافی ج ۱، تهران، مکتبه الصدر.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی ج ۲، ۱۴۰۴، دارالکتاب، محقق موسوی جزائری، قم، طیب.

کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰، تفسیر فرات الکوفی، محقق کاظم، محمد، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، دارالحیا التراث العربی.
 مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴، مرآة العقول فی الشرح الاخبار آل الرسول ج ۵، محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، الغدیر و وحدت اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.

پایان نامه‌ها

- علوی، زهرا السادات، ۱۳۹۵، موانع تحقق امت واحده اسلامی از منظر امیرالمومنین علیه السلام، دزفول، دانشکده اصول الدین.

- خامنه‌ای، سید علی، بیانات و سخنرانی‌ها، بر گرفته از سایت رسمی دفتر ایشان:

<http://www.leader.ir>